



جایگاه دین نزد حوزه‌های معرفتی غرب/ منفعت؛ معیار حقانیت دین در آمریکا

در باب دین در اروپای متصل يك رویکرد وجود دارد و اروپای منفصل و آمریکا نیز هر کدام صاحب نگاهی متفاوت هستند؛ گرایش اروپای متصل در این مسئله به نقد دین است؛ در انگلیس به عنوان امری پذیرفته شده در ساختار اجتماعی به دین نظر می‌شود و در آمریکا تنها معیار حقانیت دین منفعت داشتن است.

در باب دین در اروپای متصل يك رویکرد وجود دارد و اروپای منفصل و آمریکا نیز هر کدام صاحب نگاهی متفاوت هستند؛ گرایش اروپای متصل در این مسئله به نقد دین است؛ در انگلیس به عنوان امری پذیرفته شده در ساختار اجتماعی به دین نظر می‌شود و در آمریکا تنها معیار حقانیت دین منفعت داشتن است.

ابراهیم فیاض، دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در باب جایگاه مطالعاتی که با عنوان دین‌شناسی علمی انجام می‌شود، برای تعیین جایگاه این مطالعات، تفکیک حوزه‌های معرفتی مطرح در جهان در باب جایگاه دین را ضروری دانست و با اشاره به این‌که در کشور ما تفکیکی گویا میان این حوزه‌های معرفتی صورت نمی‌گیرد، بیان کرد: در این مسئله در اروپای متصل که آلمان و فرانسه محور اصلی آن هستند، يك رویکرد وجود دارد و اروپای منفصل و آمریکا نیز هر کدام صاحب نگاهی متفاوت هستند.

اروپای متصل و نقد فلسفی دین

فیاض با اشاره به این‌که در اروپای متصل به تبع تأثیر از کانت، بیشتر بر تقابل سوژه و ابژه تکیه و تأکید شده و نوعی نقد فلسفی دین گسترش یافته است، عنوان کرد: نمونه‌های این نقد فلسفی را در آراء فوئرباخ و مارکس تا بررسی‌های دین توسط افرادی مانند ماکس وبر می‌توان دید. متأثر از این مباحث، علم هم به تبع فلسفه به نقد دین گرایش پیدا می‌کند و برای مثال مردم‌شناسان اولیه غالباً با رویکردهای روانشناختی به نقد دین می‌پردازند و نسل اول این نظریات دین‌شناختی را که مدعی‌اند دین حاصل ترس انسان‌های اولیه یا توت‌پرستی بوده است، مطرح می‌کنند. بنابراین در اروپای متصل نگاه انتقادی به دین از منظر فلسفه، به علم و از جمله علوم انسانی نیز سرایت پیدا می‌کند.

نتیجه نگاه آمریکایی به دین آن است که دین به دلیل این‌که به انسان آرامش می‌دهد حقیقت دارد. در این جا عقل حقیقت‌گرای فلسفی و حکمی یا عقل خودبنیاد اروپایی جایگاهی ندارد و تنها معیار حقیقت داشتن منفعت داشتن است

دین در انگلیس؛ امری پذیرفته‌شده در ساختار اجتماعی

وی در مورد رویکرد اروپای منفصل در مورد دین، انگستان را حد میانه اروپای متصل و آمریکا خواند و گفت: در انگلیس مواجهه با دین تا حدی محافظه‌کارانه‌تر و غیرانتقادی‌تر صورت می‌گیرد؛ بدین نحو که در قالب ساختارگرایی و کارکردگرایی غالب در مردم‌شناسی اجتماعی انگلیس، دین نه به عنوان يك امر برساختی و لازم به نقادی، بلکه به عنوان يك ساختار اجتماعی ترسیم و پذیرفته می‌شود. در این جا آن چنان که در آمریکا مطرح است، بر بحث فایده تأکید نمی‌شود اما دین به عنوان امری مؤثر در ساختار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

فیاض با اشاره به قدرت کلیسای کاتولیک و کاتولیسیسم در اروپای متصل و کشورهای محوری این حوزه، گرایش به نقد دین توسط اندیشمندان این حوزه معرفتی را ناشی از مواجهه بودن با کاتولیسیسم به عنوان ساختاری دینی دانست و در مقابل درباره عامل شکل‌گیری نوع نگاه به دین در اروپای منفصل گفت: تأسیس کلیسای ملی در انگلیس به نوعی دین را در ذیل ملیت و ملی‌گرایی قرار داد و باعث توسعه نگاه کارکردی به دین در قالب رویکرد ساختارگرایانه شد که این نیز به نوبه خود باعث می‌شد که کمتر به نقد دین بپردازند.

نگاه به دین در آمریکا؛ ترکیبی از معنویت‌گرایی پروتستانی و کارکردگرایی پراگماتیستی

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تفاوت رویکرد آمریکایی و انگلیسی به دین را در میزان تأکید بر کاربرد آن در جامعه عنوان کرد و گفت: در آمریکا مسئله کلیسای ملی به عنوان یک ساختار در ساختار کلی جامعه مطرح نیست، بلکه آن چه مورد توجه است، این است که دین در جامعه کاربرد دارد و منافعی بر آن مترتب است، بنابراین باید وجود داشته باشد. در این نگاه اهمیتی ندارد که دین دارای حقیقتی هست یا نه و این نگاه در آمریکا به شکلی افراطی‌تر از انگلیس نهادینه شده است.

روشی که غالباً در آمریکا، از جمله در باب دین به کار رفته نوعی منفعت‌گرایی و پراگماتیسم است که به نحو پدیدارشناختی به کار گرفته شده و به مطالعات تجربی نزدیک شده است. در این رویکرد دین با نگاهی کلان و در کل تاریخ مورد توجه نبوده، بلکه با نگاه خرد و با روشی تجربی مورد پژوهش قرار گرفته است

فیاض ادامه داد: جز ناحیه شمال شرقی آمریکا، در سایر نقاط این کشور، وجود بیابان‌ها و دشت‌ها و فاصله زیاد میان مناطق شهری باعث غلبه نوعی روحیه روستایی مسلکی در آمریکا شده که به خاطر نبود مدنیت فلسفی اروپایی، زمینه رشد نوعی دین معنوی کلیسایی در آمریکا قرار گرفته است که بیشتر از این که سازمان یافته و کاتولیسیستی باشد، پروتستانی است.

تقویت نگاه کارکردی به دین در آمریکا؛ نتیجه غلبه عقل پراکسیسی

این عضو گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران نگاه به دین در آمریکا را ترکیبی از پروتستان‌تیسیم و معنویت‌گرایی پروتستانی و وجود نگاه کارکردی‌ای که در قالب فلسفه پراگماتیستی آمریکایی تقویت شده دانست و بیان کرد: نتیجه این نگاه آن است که دین به دلیل این‌که به انسان آرامش می‌دهد، حقیقت دارد. در این جا عقل حقیقت‌گرای فلسفی و حکمی یا عقل خودبنیاد اروپایی جایگاهی ندارد و تنها معیار حقیقت داشتن، منفعت داشتن است.

وی افزود: بر این اساس غلبه عقل پراکسیسی و عمل‌گرا در آمریکا می‌گوید که دین با فایده آن مهم است. افرادی مانند جان دیویی و ویلیام جیمز که این مباحث بیشتر از هرکسی به او تعلق دارد، کسانی هستند که این نگاه را در آمریکا نهادینه کرده‌اند.

دین‌شناسی تجربی؛ محصول رویکرد آمریکایی به دین

فیاض با اشاره به تأثیر عمیق رگه‌هایی از فرهنگ و نگاه آلمانی در آمریکا، این کشور را به نوعی يك انگلیس با فرهنگی آلمانی خواند و گفت: روشی که غالباً در آمریکا، از جمله در باب دین به کار رفته نوعی منفعت‌گرایی و پراگماتیسم است که به نحو پدیدارشناختی به کار گرفته شده و به مطالعات تجربی نزدیک شده است. در این رویکرد دین با نگاهی کلان و در کل تاریخ مورد توجه نبوده، بلکه با نگاه خُرد و با روشی تجربی مورد پژوهش قرار گرفته است.

در قالب ساختارگرایی و کارکردگرایی غالب در مردم‌شناسی اجتماعی انگلیس، دین نه به عنوان يك امر برساختی و لازم به نقادی، بلکه به عنوان يك ساختار اجتماعی ترسیم و پذیرفته می‌شود. در این جا آن چنان که در آمریکا مطرح است، بر بحث فایده تأکید نمی‌شود اما دین به عنوان امری مؤثر در ساختار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد

وی ادامه داد: در واقع قرار داشتن در کنار سرخپوستان و سیاه‌پوستان، مطالعات دین‌شناختی در آمریکا را به سمت مطالعات جزئی‌تر در حوزه‌های جغرافیایی خاص و بررسی رفتارهای دینی سوق داده است. این رویکرد باعث به وجود آمدن نوعی دین‌شناسی تجربی در جهان امروز شده که از نقد فلسفی دین که در اروپا به وجود آمده است دور شده و بیشتر به روش تجربی بها می‌دهد.

مذهب مدنی آمریکایی نتیجه مطالعات تجربی در باب دین

این دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه با اشاره به این که بر همین اساس روانشناسی دین و جامعه‌شناسی دین در آمریکا به دنبال استخراج منفعت‌های دین و بسط آن هستند، اظهار کرد: آمریکایی‌ها در این راه به يك مقوله بسیار مهم به نام مذهب مدنی رسیده‌اند؛ مذهبی که مستقیم در سیاست دخالت نمی‌کند، اما دخالت غیرمستقیم دارد. چنین رویکردی که در واقع يك رویکرد سکولار و نه لائیک به مذهب است، جز در دوره حاکمیت نئوکان‌ها (جناح نومحافظه‌کار حزب جمهوری‌خواه) و اونجلیست‌ها، به خصوص در دوره فعلی، در آمریکا محور بوده است.

فیاض در توضیح تفاوت سکولاریسم و لائسیسم گفت: لائسیسم به معنای نفی و انکار دین است، در حالی که سکولاریسم به معنای این است که دین بر سیاست حاکم نمی‌شود، بلکه این دو به شکل تضاری عمل می‌کنند؛ افراد شاخص این رویکرد در جامعه‌شناسی، وبر و زیمل هستند که به آمریکا رفتند و تفکر آنها در آمریکا گسترش یافت. بر همین اساس در ساختار فعلی آمریکا و در قانون این کشور هر چند دین حاکم نیست، اما به دلیل این که مفید تشخیص داده شده، مورد حمایت است و این امر محدود به مسیحیت نیست؛ در حالی که در اروپا این‌گونه نیست.

وی اضافه کرد: در آمریکا تمام ساختارهای علمی، چه در جامعه‌شناسی، مانند کارهای پارسونز، و چه در روانشناسی مانند کارهای ویلیام جیمز و جان دیویی و ... همه بر منفعت داشتن دین تأکید می‌کنند. بنابراین در این جا برای مثال در حوزه روانشناسی، نگاه انتقادی فروید به دین حاکم نیست، بلکه آن چه مشغله ذهنی صاحب‌نظران و پژوهشگران است روش به کار بردن دین در جامعه است.